Islam and Health Journal
Babol University of Medical Sciences

دانشگاه علوم پزشکی بابل، نشریه اسلام و سلامت
دوره اول، شماره سوم، پاییز ۹۳، صفحه: ۱۶-۷

رابطه شبیه سازی زایشی و کرامت انسانی در آموزه های اسلامی

دریافت مقاله: ۹۳/۷/۱۱ پذیرش مقاله: ۹۳/۹/۱۹

رحمت اله مرزبند (PhD)[۱]
مجید ملک زاده شفارودی (PhD)[۲*]

۱. گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۲. گروه علوم تشریح و زیست شناسی سلولی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

*نویسنده مسئول: مجید ملک زاده شفارودی، گروه علوم تشریح و زیست شناسی سلولی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

تلفن: ۳۳۵٤۳۲٤۸ ۱۱ ۹۸+
فاکس: ۳۳۵٤۳۲٤۸ ۱۱ ۹۸+
Email: malek1344@gmail.com

چکیده

سابقه و هدف: اگرچه به کارگیری فناوری شبیه سازی در عرصه درمان بیماران، موجبات گشایش و سهولت فراوان در امور گشته، ولی شبیه سازی زایشی انسانی نگرانی هایی را در زمینه تعدی به اصول و حدود اخلاقی در میان متفکران دینی به همراه داشته است. نقطه ثقل نقد های اخلاقی در رد شبیه سازی زایشی انسانی، دلیل نقض کرامت انسانی است. هدف از این مقاله بررسی ناسازگاری شبیه سازی زایشی و کرامت انسانی در آموزه های قرآنی است.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر مبتنی بر روش تحلیلی اسنادی و مفهومی می باشد. در این راستا، ابتدا با مراجعه به منابع دست اول از قبیل کتب معجم قرآنی، تفاسیر قرآنی از قبیل المیزان، نمونه و بانک های اطلاعاتی از قبیل Sid, magiran, Noormags, iranmedex اطلاعات لازم مبتنی بر سوالات تحقیق گردآوری و مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: یافته ها حکایت از این دارد که متفکران اسلامی ادله متعددی را از قبیل نقض کرامت در تولید مثل غیر جنسی، عدم حفظ یگانگی و فردیت در شبیه سازی، نقض کرامت در ابزار انگاری و نقض کرامت در رویان در تبیین ناسازگاری شبیه‌سازی زایشی با کرامت انسانی مطرح کرده اند. بررسی ادله فوق نشان می دهد که نمی توان بیان دقیقی از چگونگی ناسازگاری شبیه سازی زایشی و کرامت انسانی در آرا و نظریه های رایج استخراج نمود. مطالعه و بررسی در آموزه های قرآنی بیانگر آن است که شبیه سازی زایشی به وجهی دیگر، کرامت انسانی را نقض می کند. از نگاه قرآن، ویژگی خاصی که انسان را مستحق عنوان کرامت می کند خلیفه الله بودن وی است. از لوازم چنین کرامتی آفرینش خاص او در دو بعد جسمی و روحی است. بر مبنای یافته های علوم زیستی شبیه سازی زایشی از جهت اختلال در تولید بافت ها، تضعیف استخر ژنی انسان، ایجاد تغییر خود آگاهی در فرد شبیه و نیز سست شدن بنیان خانواده، نقض کرامت جسم و روح را به دنبال خواهد داشت.

نتیجه گیری: مطالعه حاضر نشان می دهد که شبیه سازی زایشی با کرامت انسانی ناسازگار است. بر مبنای یافته های تجربی، شبیه سازی زایشی به جهت اختلال در سلامت جسمی و روانی مانع تحقق کرامت انسانی می گردد. ضروری است محققان علوم زیستی آموزه های وحیانی و دینی را در به کارگیری پژوهش های خویش در جمعیت های انسانی مد نظر قرار دهند.

واژگان کلیدی: کرامت، شبیه سازی، آموزه اسلامی، اعضای بدن، ژن انسانی

مقدمه

یکی از دستاورد های شگرف بشر معاصر در حوزه مهندسی ژنتیک، فناوری شبیه سازی انسانی است. گرچه به کارگیری فناوری شبیه سازی در درمان بیماری ها موجبات گشایش و سهولت فراوان در امور گشته، ولی شبیه‌سازی با هدف تولید کودک انسانی واکنش هایی در حوزه اخلاق دینی به همراه داشته است. نقطه ثقل نقد های اخلاقی در شبیه سازی زایشی انسانی، دلیل کرامت انسانی است. در این میان برخی شبیه سازی زایشی را ضرورتاً مغایر با کرامت انسانی معرفی می کنند. لیکن برخی آن را سازگار با کرامت انسانی می یابند (۱). هدف از این مقاله بررسی رابطه شبیه سازی زایشی (مولد) و کرامت انسانی در آموزه های قرآنی است. در این نوشتار ضمن نقد و بررسی مهم ترین دیدگاه های برخی از متفکران اسلامی در چگونگی نقض کرامت انسانی با شبیه سازی زایشی، تلاش می شود در بحث نظریه مختار، با تحلیلی دیگر از مفهوم کرامت در اندیشه اسلامی، ناسازگاری شبیه سازی زایشی با کرامت انسانی تبیین شود. بر این اساس بعد از طرح مفاهیم اولیه، برخی از دیدگاه های مهم در مورد رابطه شبیه سازی زایشی با کرامت انسانی بیان گردید و سپس با اتکا به یافته های قرآنی، مورد نقد و ارزیابی قرار گرفت. در ادامه نویسندگان مقاله در بیان نظریه مختار برای یافتن زوایای گوناگون آن، به دیدگاه قرآن در مورد مفهوم کرامت انسانی و نیز یافته های تجربی در مورد آثار جسمی و روانی فرد شبیه متوسل شدند تا ناسازگاری کرامت انسانی با شبیه سازی زایشی را مورد تبیین قرار دهند. چنین مطالعه ای برای محققانی که جهت‌گیری دینی و ارزشی را در تحقیقات علوم زیستی دنبال می کنند مهم است، چرا که در این پژوهش تلاش شده است چگونگی ناسازگاری کرامت انسانی با شبیه سازی مولد بر اساس آموزه های وحیانی قرآنی مورد تبیین قرار گیرد.

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-08]

مواد و روش ها

پژوهش حاضر مبتنی بر روش تحلیلی اسنادی و مفهومی می باشد. در این راستا، ابتدا با مراجعه به منابع دست اول از قبیل کتب معجم قرآنی، تفاسیر قرآنی از قبیل المیزان، نمونه و...، و بانک های اطلاعاتی از قبیل Google Scholar و Sid, magiran, Noormags, iranmedex با استفاده از کلید واژه های انگلیسی cloning, human dignity Islam, و کلید واژه های کرامت، شبیه سازی و جسم، شبیه سازی و روان، و غیره و نیز معادل های آن در زبان عربی، مقالات و کتب تالیفی گردآوری شد. پس از بررسی مقالات و منابع مورد نظر، یافته های استخراج شده مبتنی بر سوالات تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

مفهوم کلون کردن یا شبیه سازی: کلون کردن به معنای وارد نمودن یک یا چند ژن به درون استخر ژنتیکی یک موجود زنده به منظور ایجاد صفاتی است که قبلاً هرگز در ژنوم آن گونه زیستی بروز نکرده است. به عنوان مثال می توان از داخل نمودن ژن مولد پروتئین انسولین انسانی به درون استخر ژنی سوش هایی از باکتری اشرشیاکولی (E. Coli) به منظور تولید صنعتی انسولین در مقیاسی وسیع با استفاده از DNA های حلقوی موسوم به وکتور (Vector) اشاره کرد. همچنین با وارد کردن ژن تولید نوعی ترکیب شیمیایی موسوم به لوسیفر که سبب درخشش سلول با استفاده از شکستن مولکول های آدنوزین تری فسفات (ATP) با کمک آنزیم لوسیفراز می گردد می توان طیفی از رنگ های مرئی از سبز تا قرمز و حتی آبی را در سلول های زنده ایجاد کرد.

کلون کردن در نهایت خود، همچنین به معنای تولید یک موجود زنده کامل، نه از سلول تخم طبیعی بلکه به واسطه جایگزینی هسته یک سلول سوماتیک به جای هسته سلول تخم با استفاده از ظرفیت های آنزیمی سیتوپلاسم سلول تخم در باز کردن کلیه اطلاعات ژنتیکی موجود در هسته می باشد. در واقع سلولی وادار به ترجمه‌ی کامل پیام DNA شده است و از آن یک موجود کامل به وجود آمده است. این روند در نهایت موجود زنده‌ای را ایجاد می نمایند که یک سری مراحل تکاملی خلقت را پشت سر نگذاشته است. شبیه سازی، تولید گامت و همچنین لقاح دو هسته را که پدیده های نوترکیبی، بازترکیبی و ترکیب ژنی را در بطن خود به همراه دارند حذف می نماید و فشار های گزینشی محیطی وارد بر این موجود زنده شبیه سازی شده الزاماً همان فشار های گزینشی نیستند که بر سلول الگو وارد شده و می شود (۲).

شبیه سازی بر اساس اهداف مورد نظر دارای اقسام گوناگون است. بعضی از نویسندگان آن را به دو قسم تقسیم کرده‌اند: الف. تولید کودکی که از نظر ژنتیکی با یک فرد موجود همسان باشد (شبیه سازی مولد یا زایشی) ب. تولید رویان های شبیه سازی شده جهت تحقیقات یا درمان از راه استخراج سلول های بنیادی (۳). در این مقاله نظریه ناسازگاری شبیه‌سازی با کرامت انسانی مورد بررسی قرار می گیرد.

یافته ها

مطالعه متون، بیانگر آن است که در اندیشه اسلامی انسان دارای کرامت است. در نظر بسیاری از متفکران مسلمان شبیه سازی زایشی، کرامت و شرافت ذاتی انسان را مخدوش می سازد. در نظر این اندیشمندان بر طبق آیه ۷۰ سوره اسراء، شبیه سازی انسانی خطری بزرگ بر ضد کرامت انسانی به شمار می رود. عجیل النشمی، یکی از محققان اهل سنت می گوید: به این نتیجه رسیده ایم که برای مسلمان و غیر مسلمان جایز نیست که تجربه شبیه سازی را بر انسان انجام دهند «حفظاً لکرامته و صفاء لحیاته و امناً لمستقبل» (۴). لذا مجمع فقه اسلامی در عربستان سعودی شبیه سازی را از دیدگاه عالمان سنی حرام اعلام کرد (۵). یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مهم ترین دلایل مخالفان شبیه‌سازی زایشی در اندیشه اسلامی در مواردی از قبیل نقض کرامت در تولید مثل غیر جنسی، نقض کرامت با نابودی رویان و نیز ناسازگاری کرامت انسانی به جهت عدم حفظ یگانگی بوده که به نقد و بررسی آنها می پردازیم.

الف. نقض کرامت در تولید مثل غیر جنسی: تفسیر اول بر آن است که کرامت ذاتی انسان در نحوه‌ی تولید مثل او، شکل باروری و زادن او است. از این رو هر کاری که به دستکاری و تغییر این شیوه منتهی شود و به جای روش طبیعی روش دیگر را جایگزین سازد کرامت انسانی را نقض کرده است. طبق این نگرش شبیه سازی انسانی از طریق جایگزینی شیوه تولید غیر جنسی، کرامت انسانی را نقض کرده است (۶). اگر کرامت انسانی در نحوه ی تناسل و زایش او است و به هم زدن این فرایند ناقض کرامت انسانی خواهد بود، در آن صورت به این تقریر اشکالات اساسی وارد می شود؛ یکی آن که نحوه زایش طبیعی انسان با بسیاری از حیوانات یکسان است، پس چرا فکر می کنیم که انسان دارای کرامتی است که حیوان فاقد آن است. دومین اشکال این تفسیر آن است که در هر جا که نحوه‌ی تولید و زایش بر خلاف سنت معمولی باشد، باید حکم به نقض کرامت انسانی داد و این مساله درباره‌ی تولد حضرت عیسی (ع) مشکل‌ساز خواهد بود. علاوه بر این مساله تنها اختصاص به آن حضرت ندارد، بلکه طبق این تقریر کسانی که از طریق لقاح برون رحمی (IVF) تولید شده‌اند، باید کرامتشان خدشه دار شده باشد، حال آنکه خود این مخالفین در موارد گوناگونی با صراحت به جواز لقاح برون رحمی فتوا داده و آن را ناقض کرامت انسانی ندانسته اند (۷).

ب. نقض کرامت در ابزار انگاری: تفسیر دومی که از کرامت انسانی می توان به دست داد آن است که انسان موجودی است متفاوت و از دیگر موجودات زنده، و تافته ای جدا بافته است، از این رو نباید با او مانند حیوانات رفتار نمود. اما شبیه سازی انسانی این کرامت را نقض می‌کند. زیرا انجام این عمل نیازمند آن است که با انسان نیز مانند خوکچه‌های هندی و موش های آزمایشگاهی رفتار شود و همان آزمایش‌هایی که بر موش ها انجام می شود، بر انسان نیز انجام شود و این کار نقض کرامت انسانی را در پی دارد (۸). قرضاوی با همین تفسیر از معنای کرامت می‌گوید: درست نیست که انسان با حیوان و نبات در شیوه‌ی تکثیر یا اعمال آزمایش های علمی و بازی با عناصر وراثتی اش به گونه‌ای که پیامد های آن معین نیست یکسان شمرده شود (۹). کاملاً واضح است که اینگونه استدلال نمی تواند درست باشد. به هیچ وجه نمی توان هیچ گونه آزمایشی را روی انسان انجام نداد. واضح است که برای دست یابی به

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-08]

روش های درمانی جدید، تاثیر انواع دارو ها، روش ها و تکنیک های جراحی تا رسیدن به یک راه حل مطلوب نیاز خواهد بود تا اگر آزمایشی روی حیوانی انجام پذیرفت و قابل تعمیم به انسان بود، لاجرم باید روی انسان نیز در بوته آزمایش گذاشته شود یا اینکه چگونه می توان به یک روش قابل قبول به عنوان مثال در انجام روش های کمک باروری دست پیدا نمود، بدون اینکه جسم انسان دخیل نباشد. لذا باید به این نتیجه دست یافت که صرفاً انجام آزمایش، ناقض کرامت انسان نخواهد بود (۱۰). حال اگر به این نتیجه رسیدیم که تحت آزمایش قرار گرفتن انسان مغایرتی با کرامت انسانی او ندارد، باید قوانینی را وضع نمود تا در راستای انجام هر گونه آزمایش روی انسان، آسیبی به او نرسد و برخوردی در شان و حفظ صیانت او صورت پذیرد.

ج. کرامت انسانی و عدم حفظ یگانگی و فردیت: تفسیر دیگر، دلالت بر این دارد که کرامت انسانی در حفظ و دست ناخوردگی ترکیب هویت ژنتیکی منحصر به فردی است که برای تمامی انسان ها، مطرح است. از این رو هر گونه دستکاری ترکیب وراثتی انسان، نقض کرامت او به شمار می رود و از آن جا که در شبیه سازی انسانی با ژن های انسانی بازی می شود، به همین دلیل این کار ناقض کرامت انسانی و تحقیر آن است (۴). این نگرش گویی بر این باور است که انسان یعنی مجموعه ای از ژن های معین، اما اعلامیه بین المللی "داده های ژنتیکی انسان" آگاهانه از این همسانی دوری جسته است (۱۱). چرا که هر فرد اگرچه ساختار ژنتیکی مشخصی دارد، در عین حال هویت یک فرد به خصوصیات ژنتیکی وی محدود نمی شود و در شکل گیری آن شاخص‌های تربیتی، محیطی و فردی و نوع روابط عاطفی، اجتماعی، معنوی و فرهنگی با دیگران نقش دارند و عنصر آزادی در آن موثر است (۱۱). علاوه بر این اگر این تفسیر درست از کرامت مورد پذیرش باشد، موارد مشابه آن را در دو قلو های همسان چگونه می توان ارزیابی نمود. دوقلو های همسان دارای ژنوم هسته ای یکسان بوده و سالانه صد ها دوقلوی یکسان پا به عرصه وجود می گذارند و بدیهی است که هیچ تفاوتی بین کرامت انسانی آنها و بقیه نوزادان متولد شده وجود نداشته و همه آنها از کرامت ذاتی انسانی برخوردارند (۱۲).

درمان ناباروری با استفاده از IVF، روش نوینی است که باعث افزایش دو قلو زایی شده و با تولد یک مورد دو قلو از هر چهار IVF، نرخ آن را حدود ۲۰ برابر نسبت به حالت طبیعی افزایش داده است (۱۳). با این فرض اگر بخواهیم بر اساس نظر آنهایی عمل نمائیم که داشتن ژنوم یکسان خدشه‌ای به کرامت انسانی خواهد بود، یا باید بپذیریم که تمام دوقلو های متولد شده از جمله دو قلو هایی که به طور افزایشی در استفاده از روش های کمک باروری به دنیا می آیند، هویت مشخص و منحصر به فردی را ندارند و یا اینکه ضمن حذف نمودن روش جدید برای کمک به زوجین نابارور، باید برای دو قلو های متولد شده به صورت طبیعی هم تئوری جدیدی را ارائه نمود. قطعاً هیچ یک از موارد یاد شده نمی تواند درست باشد. بلکه باید گفت که هویت ژنتیکی در جای خود به عنوان یک بعد علمی معنی پیدا می کند. یعنی هر کسی دارای مجموع ژن هایی است که در وجود او قرار دارد لیکن می تواند با در نظر گرفتن تکرار آن، مشابهی همانند خود داشته باشد بدون اینکه آسیبی به قلوی خود زده باشد. به هر حال واژه هویت ژنتیکی نمی تواند دلیلی بر پایمال شدن کرامت انسانی باشد (۳).

د. نقض کرامت با نابودی رویان: در این رویکرد، مفهوم کرامت انسانی واجد دو بعد اصلی معرفی می شود: ۱. بعد فردی یعنی هنگامی که از حقوق انسان هایی صاحب حق سخن می گوییم. انسان‌هایی که فردیت دارند و میان ما حاضرند. ۲. بعد جمعی یعنی هنگامی که سخن از انسانیت در میان است. در این رویکرد، رویان انسانی دارای کرامت است. چرا که تعلق و الحاق آن به انسانیت، به ویژه آن که بالقوه انسانی کامل است آن را واجد درجاتی از کرامت و حرمت می کند. لذا نابود کردن رویان در آزمایشگاه، خلاف کرامت انسانی است (۱۴).

استخراج سلسله مراتب برای آفرینش انسان در کتاب مقدس قرآن در آشکار ترین وجه خود از طریق آیات ۱۴-۱۲ سوره‌ی مؤمنون صورت می‌گیرد. آیاتی که به مراحل آفرینش انسان اشاره می کند و در پایان مراحل تکوین جسمانی انسان، مرحله جدیدی را معرفی می کند که با مراحل پیشین کاملاً متفاوت است. این مرحله جدید همان دمیدن روح در کالبد انسان است که با تعبیر"ثم انشاناه خلقا آخر" معرفی شده است (۱۵). این تعبیر هیچ تعارضی با وجود حیات نباتی از ابتدای تشکیل زیگوت ندارد، زیرا در جهان هستی گونه های بی شماری از حیات و تکامل چرخه های حیاتی وجود دارد که تفاوت شأن و احترام آنان با حیات بشر، نداشتن روح انسانی است. به عبارتی، انسان پیش از ولوج روح چیزی بیش از صرف ماده نیست که با دمیده شدن روح انسانی به موجودی تبدیل خواهد شد که در ذات و صفات و خواص با دوران گذشته اش تفاوت پیدا خواهد کرد. در عین حال، این موجود جدید همان موجود سابق است که البته نه در ذات و نه در صفات با موجود سابق تشابه و اشتراکی ندارد بلکه تنها با آن نوعی اتحاد و تعلق دارد تا آن را در راه رسیدن به مقاصدش یاری کند درست مثل وسیله و آلتی که در دست صاحب آن است (۱۵).

با نگاهی به مراحل تکوین اولین انسان نیز می توان دریافت که کرامت بشر بر سایرین تنها پس از دمیدن روح انسانی قابل تصور است که می توان آن را با تعبیر "انسان مسجود" بیان کرد. زیرا در آیات مربوطه، امر الهی در مورد سجده‌ی ملائکه بر انسان پس از دمیده شدن روح در کالبد آدمی صادر شده است (۱۵). بنابراین به نظر می رسد کرامت ذاتی بشر، تنها منوط به برخورداری او از روح انسانی است. این کلام یک نتیجه‌ی منطقی در پی خواهد داشت؛ اگر کرامت ذاتی انسان منوط به برخورداری وی از روح انسانی است و چنین کرامتی وجه تفضیل انسان بر سایرین است، پس آنچه از چنین روحی برخودار نباشد ازکرامت و شأن انسانی بی بهره است و بر سایرین برتری نخواهد داشت (۱۶).

بحث و نتیجه گیری

هدف از مطالعه حاضر این بود که ناسازگاری شبیه سازی زایشی و کرامت انسانی مورد تبیین قرار گیرد. در این راستا ادله متعددی از قبیل نقض کرامت در تولید مثل غیر جنسی، عدم حفظ یگانگی و فردیت در شبیه‌سازی، نفض کرامت در ابزار انگاری و نقض کرامت در رویان در تبیین

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-08]

ناسازگاری شبیه سازی زایشی باکرامت انسانی مورد مطالعه و نقادی قرار گرفت. یافته های پژوهش بیانگر آن است که نظریه های منتشر شده بیان دقیق و روشنی از چگونگی ناسازگاری شبیه سازی با کرامت انسانی ارایه نشده است. لیکن نویسندگان مقاله بر آنند که مطالعه متون اسلامی حکایت از آن دارد که شبیه سازی زایشی از حیث آثار و تبعات جسمی و روانی با کرامت انسانی ناسازگاری دارد؛ غایتی که نویسندگان تلاش دارند از طریق گام های ذیل آن را دنبال کنند. در این راستا اولاً، حیثیات و ابعاد کرامت انسان در آموزه قرآنی مورد بحث قرار می گیرد. ثانیاً در مورد ناسازگاری کرامت انسانی با شبیه سازی زایشی به یافته های تجربی و عرف کارشناسان در خصوص آثار جسمی و روانی شبیه سازی زایشی استناد می شود.

الف.کرامت انسان در قرآن: در فهم رابطه شبیه سازی زایشی با کرامت انسانی باید دو مساله پاسخ داده شود نخست اینکه کرامت انسانی چیست؟ ثانیاً چگونه شبیه سازی زایشی با کرامت انسانی سازگار یا انطباق می یابد؟ برای اینکه تعریف روشنی از کرامت انسانی ارایه شود باید به این پرسش پاسخ داده شود که کدام ویژگی خاص در انسان ها وجود دارد که او را از سایر موجودات متمایز ساخته و شایسته عنوان کرامت می کند. مطالعه در آموزه دینی بیانگر آن است که کرامت از جمله واژه های کلیدی در تعلیم و تربیت اسلامی است. زیرا در قرآن و سنت مکرراً از این واژه و مشتقات آن به کار رفته است. در قرآن واژه کرامت در توصیف خداوند و سایر مخلوقات به کار برده شده است. لذا مفهوم کرامت قلمرو گسترده ای از مصادیق را در بر دارد:

۱. کرامت ملکوتی که فرا طبیعی صرف و مربوط به ملائک، عرش الهی می باشد.

۲. کرامت طبیعی که مربوط به موجودات طبیعی است. از این رو خداوند گیاهان را با وصف کرامت یاد می‌کند: «و انبتنا فیها من کل زوج کریم» (۱۷).

۳. کرامت انسانی: علاوه بر کرامت طبیعی، قسم ویژه ای از کرامت در عالم خلقت به نام کرامت رفیع انسانی متصور است، کرامتی که از تلفیق بین طبیعت و فرا طبیعت حاصل آمده است (۱۸).

از بررسی قرآن و سایر متون اسلامی چنین استنباط می شود که انسان از دو نوع کرامت برخوردار است. مرتبه ای از این کرامت ذاتی است و میان همه انسان ها مشترک می باشد و حتی مشرکین و کفار و فساق همه را در بر می گیرد. چنانکه قرآن در آیه ۷۰ سوره اسراء این نوع کرامت ذاتی را تصریح کرده است: «و لقد کرمنا بنی آدم ... و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم...» (۱۵).

در تلقی دینی محدوده کرامت انسان فقط کرامت ذاتی و تکوینی نیست. بلکه انسان می تواند از قسم دیگری از کرامت یعنی کرامت ارزشی (اکتسابی) برخوردار باشد. کرامت اکتسابی آن کرامت و ارزشی است که انسان با کسب کمالات و خصلت های پسندیده با اراده و اختیار خود به دست می آورد (۱۸). از نگاه قرآن منشاء کرامت ذاتی انسان داشتن جنبه خلیفه اللهی اوست. در قرآن آمده است: «خداوند استعداد خلاقت خود را به آدم عطا کرد» (۱۹). آیه قرآنی دلالت بر انحصار خلافت در حضرت آدم ندارد بلکه می توان گفت: جمله"اتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء" بر آن دلالت دارد که خلافت در آن حضرت منحصر نیست. زیرا اگر سخنی از خلافت حضرت آدم بود و بس، با توجه به اینکه حضرت آدم (ع) معصوم است و فساد و خونریزی نمی کند جا داشت خداوند به فرشتگان بفرماید: آدم فساد و خونریزی نمی کند، البته نباید توهم کرد که همه انسان ها بالفعل خلیفه و جانشین خدا هستند. بنابراین این نوع انسان امکان خلافت و جانشینی از خدا را داراست (۲۰). در آموزه دینی انسان اگرچه دارای کرامت ذاتی می باشد ولی چنین کرامتی زایل شدنی است. بدین معنی که برخی انسان ها با اقوال، رفتار خودشان و یا به گونه ای با ارتکاب جنایت و خیانت بر خود و دیگران حیثیت کرامت ذاتی و تکوینی را از خود سلب می کنند. زیرا ارتکاب جنایت و یا خیانت بر هر انسانی ناقض اصل حیثیت و کرامت ذاتی اوست و اگر زمانی کسی حیثیت دیگران را محترم نشمارد در واقع حیثیت ذاتی خویش را ارج ننهاده و آن را از خود سلب کرده است (۲۱).

ب. حیثیات و دلالت های کرامت روحی: همانطور که اشاره شد در آموزه قرآنی منشا کرامت انسانی خلیفه اللهی است. در این راستا خداوند برای او دو بعد روحی و جسمی قرار داده است (۲۲). لیکن اصالت و حقیقت انسان به روح باز می گردد. هویت انسان دارای دو جنبه روح و نفس می باشد. کاربرد روح در حقیقت به جنبه ملکوتی و ربانی انسان اشاره دارد. نفس به بعد خلقی و دنیایی و یا جنبه مادی و معلولیت هویت انسان اشاره دارد (۲۳). روح اورا قابلیت های ویژه ای داد که سبب سجده ملائکه بر او شد. لذا این روح طبعاً کریم است (۱۸). یکی از بنیاد های مهم اخلاقی و دینی کرامت انسان آزادی اراده و اختیار است. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «هیچ چیز نزد خدا گرامی تر از انسان ها نیست. از او پرسیدند: حتی فرشتگان؟ حضرت فرمود: آری چون فرشتگان بسان خورشید و ماه مجبورند، ولی انسان مختار آفریده شده است» (۲۴).

از دلایل دیگر نظریه کرامت مبتنی بر وحی، توانایی تفکر و تعقل مستقل در همه انسان ها است، عالمان و مفسران در تفسیر آیه ۷۰ سوره اسراء بر این امر تاکید کرده‌اند که مراد از این آیه آن است که خداوند فرزندان آدم را به واسطه قدرت تفکر و تعقل، نطق و قدرت تمیز حق از باطل کرامت و برتری بخشیده است (۲۵). در آموزه قرآنی نفس و یا بعد خلقی هویت انسان دارای کرامت است. از این رو بر حفظ جان یا نفس انسانی تاکید شده است. قرآن با صراحت از رفتن به سوی مرگ نهی می‌کند: «ولاتلقوا بایدیکم الی التهلکه» (۲۶). در همین راستا قرآن اشاره دارد که هر کس که انسانی را زنده نماید گویا به همه انسان ها حیات بخشیده است. «فکانما احیا الناس جمیعا» (۲۷). کرامت نفس از ابعاد متعددی برخوردار است: الف. آگاهی و شناخت، یعنی آنچه که از مقوله علم است عین وجود نفس است. ب. قدرت یعنی هریک از ما در وجود خودمان این معنا را درک می کنیم که از توانایی هایی خاصی برخوردار هستیم. ج. محبت که کمترین مرتبه آن حب نفس است. (۲۸).

ج. حیثیات و دلالت های کرامت جسمی: مطالعه در آموزه‌های قرآنی بیانگر آن است که کرامت انسان فقط یک وصف نفسانی نیست، بلکه بعد جسمانی او را نیز در بر می گیرد. بر این اساس خداوند در

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-08]

راستای سیر تکاملی روح در وصول به تقرب الهی او را با جسم قرین کرد. بر اساس آیات قرآن، نطفه انسان طی مراحلی، آماده پذیرش روح می شود. قرآن کریم از این مراحل، این گونه یاد می کند: «آن گاه نطفه را علقه و علقه را گوشت پاره و باز آن گوشت را استخوان ساختیم و سپس بر استخوان ها گوشت پوشاندیم (و پیکری کامل کردیم) پس از آن با دمیدن روح پاک مجرد خلقتی دیگرش انشاء نمودیم. آفرین بر (قدرت کامل) خدایی که بهترین آفرینندگان است» (۲۲).

بر مبنای نظریه مختار در فلسفه اسلامی، متفکران مسلمان قائلند که نطفه در حرکت جوهری خود میوه ای به نام روح می دهد. در حقیقت به تدبیر الهی قابلیت چنین شکفتنی در نطفه انسان پیش بینی شده است. لذا نفس در اصل وجود خود به ماده نیازمند است. از آنجا که نفس انسان دارای کرامت می باشد جسم انسان به جهت منشاء تکون نفس بودن کریم می گردد. علاوه بر این نفس در حرکت استکمالی خود مادامی که در این جهان زندگی می کند به ماده و جسم نیازمند است (۲۹). از این رو جسم انسان به جهت سکویی طبیعی بودن برای حرکت کمالی روح، کریم می‌گردد. لذا خداوند جسم انسان را در احسن تقویم قرار داد (۳۰) تا شایستگی کرامت برای انسان حاصل شود. چنان که یکی از مفسرین قرآن در مورد آیه فوق گوید: خداوند انسان را از هر نظر موزون و شایسته آفرید؛ هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی و عقلی؛ چرا که هر گونه استعدادی را در وجود او قرار داده و او را برای پیمودن قوس صعودی بسیار عظیمی آماده ساخته است تا اینکه شایستگی کرامت را یافته است (۳۱).

بر این اساس بیماری و نقص اعضاء با کرامت و عزت انسان سازگاری ندارد. انسان سالم و تندرست می تواند با عزت و کرامت زندگی کند و عهده دار امانت الهی باشد. لیکن کرامت در اصل متعلق به روح انسانی است نه بدن و بدن به عنوان فرع و تابع ابزار است نه همتای او (۱۸). اگر چه نفس بعد حقیقی انسان و بدن بعد تبعی و فرعی اوست. اما این دو در این دنیا سخت به هم آمیخته شده و به ظاهر یکی دیده می‌شوند. نفس، به علت تعلق و اتحادش با بدن، در همه مراتب (طبیعی، نباتی، حیوانی) بدن حضور دارد چرا که اگر نفس اهتمام به احوال مادی بدن مانند تعدیل مزاج و حفظ اتصال بین اجزای آن نمی داشت هیچ گاه در اثر تغییرات جزئی بدن متأثر و متألم نمی گشت. در حالی که کوچک ترین تغییرات حاصل در بدن، مانند بالا یا پایین آمدن حرارت آن، منجر به رنجوری و تألم نفس می شود (۳۲). بنابراین کرامت انسانی هم به تبع آن از این امتزاج جسم و روح شکل می‌یابد.

در یک جمع بندی کلی می توان گفت که کرامت انسانی همان ویژگی یا امتیاز خلیفه اللهی دانست که فقط در انسان وجود دارد و او را مستحق آفرینش خاص در دو بعد روحی و جسمی قرار می دهد. حال باید این مدعای کلی را در نظر گرفت که آیا نتیجه شبیه سازی زایشی ناقض کرامت انسانی خواهد شد. در اینجا ناقض کرامت انسانی دقیقاً معادل ناقض ویژگی های خاص در آفرینش جسم و روح مد نظر است که او را مستحق عنوان خلیفه الله می‌کند. اگر نتیجه ناقض احسن تقویم در خلقت به تعبیر قرآنی باشد پذیرفتنی نیست و باید در آن تجدید نظر شود چرا که ناقض کرامت انسانی است.

الف. نقض کرامت انسانی در شبیه سازی انسانی:

اختلال در تولید بافت ها و اعضای بدن: مطالعات متعدی نشان داده است که شبیه سازی انسانی اختلالات متعدد جسمی را به دنبال خواهد داشت. بر طبق آمار های به دست آمده حتی در روش باروری آزمایشگاهی تخمک IVF (In Vitro Fertilization) با افزایش سن مادر، شانس موفقیت در جهت ایجاد جنین سالم کامل کاهش چشمگیری می یابد. در این شرایط اگر سن مادر کمتر از ۳۵ سال باشد، شانس موفقیت تنها ۳۰٪ است. این میزان برای زنان ۳۵ تا ۳۷ ساله ۲۵٪، زنان ۳۸ تا ۴۰ ساله ۱۷٪ و زنان بالای۴۰ سال کمتر از ۵٪ است. (۳۳). در باروری آزمایشگاهی تخمک گامتوزنز، کراسینگ اوور و لقاح دچار تغییر نگردیده است. بلکه تنها پدیده لقاح با کمک ابزار و به دست انسان در لوله آزمایشگاهی به وقوع می پیوندد. حال آنکه در پدیده کلونینگ، می بایست با میکروپیپت مخصوص غشای سلول تخمک را پاره نموده و هسته آن را خارج نمود و سپس یک هسته کامل سوماتیک را جایگزین هسته سلول تخم نمود. این مراحل بسیار پیچیده تر از روش باروری آزمایشگاهی تخمک بوده و شانس صدمات وارده بر سلول و اورگانل های سلولی از جمله هسته انتقالی را به طرز چشمگیری افزایش می دهد.

علاوه بر اینها، مانع اصلی بر سر راه تکامل طبیعی جنینی، حذف بازترکیبی و نوترکیبی ژنتیکی حاصل از گامتوژنز، کراسینگ اوور و فرآیند ترکیب پرونوکلئوس نر با پرونوکلئوس ماده است (۳۴). در پدیده کراسینگ اوور کروماتید های غیر خواهری کروموزوم های هومولوک هنگام تقسیم اول میوزی با یکدیگر مبادله می گردند (۳۵). پدیده کراسینگ اوور در نهایت منجر به از کار افتادن دسته ای از ژن ها و یا تغییر در بیان ژنی به صورت بیان کمتر و یا بیشتر از حد متعارف در نسل بعد موجود زنده خواهد بود. به عنوان مثال ممکن است ژن تولید کننده رنگ پوست با افزایش بیان در نسل بعد منجر به ایجاد فرزندانی با پوست برونزه (تیره تر) و با کاهش بیان منجر به تولید رنگ پوست روشن تر گردد (۳۶). همچنین پس از لقاح ظاهری ۱۲ ساعت زمان جهت بازچینش پوشه های اطلاعات ژنتیکی که بیولوژیست ها آن را بازترکیبی می نامند، لازم است. این بازچینش به سلول تخم امکان یافتن پوشه ها در فضای ژنتیکی هنگام تولید بافت، عضو، دستگاه و کل ساختار حیاتی را اعطا می نماید (۳۷).

علت عدم موفقیت کلونینگ در جانوران مختلف و همچنین در انسان بدین گونه روشن می شود؛ پدیده کلونینگ با حذف نوترکیبی و بازترکیبی ژنی، امکان اختلال در تولید بافت ها، اعضا و دستگاه های مختلف بدن موجود زنده را به شدت افزایش داده و شانس رقابت پذیری در محیط طبیعی (اکوسیستم های مختلف) را به شدت کاهش می دهد. به همین جهت در ایران پنج بار تلاش موسسه رویان برای دست یابی به موجود زنده حاصل از کلونینگ در فاصله سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ با شکست مواجه گردید. در این فرآیند جنین حاصله در رحم و یا به فاصله چند هفته پس از تولد از بین می رفت. اولین گوسفند شبیه سازی شده در شهر ادینبورگ، پایتخت اسکاتلند که در پنجم جولای ۱۹۹۶ میلادی متولد گردید. عملاً پس از ۲۴ ماه به دلیل تخریب بافتی وسیع مفاصل، قدرت حرکت و حیات مستقل خویش را تا زمان مرگ (سال ۲۰۰۶) از دست داده

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-08]

بود. (۳۴). بدیهی است اختلال در تولید بافت ها و اعضای بدن سبب عدم تحقق "احسن تقویم بودن" ساختار بدن انسان می شود، امری که مانع تحقق کرامت ارزشی می گردد.

۱. تضعیف استخر ژنی: تضعیف استخر ژنی با امکان دستکاری وسیع در استخر ژنی از آثار و نتایج شبیه سازی زایشی می باشد. چنان که در دهه ۱۹۶۰ میلادی عده ای از بزرگ ترین دانشمندان علم ژنتیک در ایالات متحده امریکا بر این اعتقاد بودند که برای ارتقای زیستی بشر سفید پوست می بایست به نابودی آدمیان رنگین پوست همچون سیاه پوستان و سرخ پوستان دست یازید. لیکن، با توسعه علم ژنتیک و ارائه نقشه ژنتیکی انسانی در ۱۹۹۶ میلادی، مشخص گردید که بسیاری از ژن ها و آلل های مفید در ساختار استخر ژنی انواعی از نژاد های انسانی همچون سیاه پوستان، سرخ پوستان و زرد پوستان پراکنده است. به طوری که انتخاب بر اساس رنگ پوست می تواند منجر به تضعیف استخر ژنی انسان در گستره ژنوم انسانی به گونه ای گردد که بسیاری از صفات مفید و موثر در بقای نوع بشر بر روی کره زمین همچون ظرفیت تنفسی، ظرفیت رشد اسکلتی و عضلانی و به طبع آن قدرت جسمانی، ظرفیت مقاومت پذیری در برابر بیماری های مختلف که انعکاسی از ساختار ایمینولوژیکی بدن انسان است به مخاطره افتند.

قوانین حاکم بر محیط ژنتیکی در درون یک استخر ژنی اجازه گزینش تک سویه را به خلقت نمی دهد. این بدان معناست که انتخاب و برجسته نمودن یک یا چند صفت در یک موجود زنده اغلب بر بیان ژنتیکی و بروز دسته ای از صفات در آن گونه زیستی اثر نموده و سبب کاهش بیان و حتی حذف بسیاری از ژن های مفید در رابطه با محیط طبیعی می گردد. به عنوان مثال در جمعیت مگس های سرکه، هرگاه بخواهیم صفت مگس‌های بی مو را به طور مصنوعی گزینش نماییم ناخودآگاه انتخاب ژنتیکی مگس های بی مو در جمعیت مگس های وحشی پر مو، سبب تغییر رنگ چشم مگس های سرکه بی مو و یا کم مو از قرمز تند به نارنجی می شود. علاوه بر این، در مگس های کم موی چشم نارنجی، سیکل تولید مثلی از تخم تا لارو، شفیره و سر انجام مگس بالغ دو برابر بیش از مگس های وحشی چشم قرمز زمان می برد. این پدیده خود موید این موضوع است که انتخاب صفات جدای از یکدیگر در استخر ژنی موجود زنده ای نظیر مگس سرکه شانس بقای این موجود را در گردونه هستی به مقدار چشمگیری کاهش می دهد (۳۸). امکان وسیع دستکاری های ژنتیکی در استخر ژنی گونه بشر (Homo Sapience) در نهایت منجر به تضعیف شدید ساختار ژنتیکی انسان در گردونه طبیعت و حذف این گونه خلیفه الله از زمین می گردد. زیرا که انتخاب افراد واجد شرایط برای کلون کردن در میان ابنای بشر با توجه به این موضوع که انسان از بسیاری از رموز محیط ژنتیکی خود بی خبر است شبیه سازی انسان در نهایت منجر به عدم تطابق انسان با تغییرات محیط زیستی گردیده و امکان ادامه حیات را طی چند نسل برای بشر غیر ممکن می‌گرداند.

ب. اختلالات روانی در شبیه سازی:

۱. خود آگاهی تغییر یافته: احساسات و انفعالات انسان دارای شعبه های متنوعی است. یکی از آنها غم و شادی است. هنگامی که انسان، مطلوبی در نظر دارد اگر مطلوبش تحقق پیدا کرد حالتی به نام شادی به او دست می دهد و هرگاه مطلوب او تحقق نیافت حالت دیگری به نام غم به او دست می دهد. در شبیه سازی زایشی از آنجا که کل ساختار ژنتیکی یک فرد از قبل و بر اساس میل و اراده فرد دیگری انتخاب می گردد، هویت روانی فرد با حضور واقعی و یا حتی مجازی نوع دیگری از خودش به مخاطره می افتد، چرا که وی با خاصیت کپی بودن فرد دیگری وارد جهان می شود. کپی بودن بخشی از هویت وی خواهد بود، امری که موجب رنج بنیادین و اساسی شبیه خواهد بود (۳۹).

احساس برنامه ریزی و تعیین سرنوشت ژنتیکی از قبل و آن هم بر اساس خواست و اراده اشخاص بر خودآگاهی وی تاثیر می گذارد. فرد شبیه، احساس می کند از سوی دیگران به عنوان موضوع یا پدیده‌ای طبیعی نگاه نخواهد شد. حتی اگر خود را فردی بی نظیر و منحصر به فرد و دارای جایگاهی ویژه قلمداد کند، باز هم احساس خواهد کرد که دیگران نمی فهمند یا قبول نخواهند کرد که وی به نحوی تحویل ناپذیر، بی همتا و ویژه است و این امر در خودآگاهی و شکل گیری هویت شخصی‌اش تاثیر بسزایی خواهد گذارد. چون هویت روانی او دچار تزلزل شده است. افزون بر این اگر دو قلوی پیشین و هم چنین خصوصیات شخصیتی و رفتاری وی برای جامعه مشخص گردد، همواره جامعه فرد شبیه را با وی مقایسه خواهد نمود (۴۰) و از او همان صفات و ویژگی های رفتاری دو قلوی پیشین یا چیزی بیشتر از آن را خواهد داشت. چنین نگرشی برای فرد شبیه حقارت نفس و در نتیجه موجب ورود فشار های روحی و روانی خاصی بر او خواهد بود. امری که در تحقق کرامت اکتسابی ایجاد اختلال می کند.

۲. فقدان آرامش با سست شدن خانواده: یکی از ابعاد نفس، بعد لذت و سعادت است. انسان فطرتاً طالب لذت است و لذت خویش را از مجاری مختلفی دنبال می کند. یکی از مجاری لذت انسان علاقه به همسر و ارضای غریزه جنسی است. از نظر اسلام همسر دوستی و رابطه جنسی در متن خلقت ملحوظ است. در آموزه دینی اسلام نفس ازدواج برای زن و مرد مطلوبیت ذاتی دارد. قرآن کریم نیز فلسفه زندگی با جنس مخالف را رسیدن به آرامش روحی می داند (۴۱). مسلماً بسط پدیده کلونیگ انسانی با هدف تولید دستجاتی از انسان های گزینش شده صفاتی، سبب سست شدن بنیان خانواده و اجتماع فرهنگی و تربیتی مهم‌ترین ساختار اجتماعی در جوامع انسانی می گردد که هم اکنون نیز با پیشرفت تکنولوژی با مسائل عدیده ای همچون کاهش تمایل به ازدواج در میان جوانان، افزایش روند طلاق های عاطفی و قانونی، عدم تمایل به داشتن فرزند مواجه است. اموری که فقدان آرامش را در پی خواهد داشت. لذا شبیه سازی زایشی به جهت عدم آرامش با سست شدن خانواده، آسیب‌های روحی و روانی را در فرد ایجاد می کند بدیهی است که چنین فرایندی نقض کرامت اکتسابی را به دنبال خواهد داشت. از مهم ترین ادله برخی از متفکران اسلامی در رد شبیه سازی زایشی دلیل ناسازگاری آن با کرامت انسانی است. لیکن یافته های پژوهشی بیانگر آن است که در تبیین ناسازگاری شبیه سازی زایشی با کرامت انسانی اتفاق نظری وجود ندارد، تا آنجا که نمی توان بیان دقیقی از چگونگی ناسازگاری شبیه سازی زایشی و کرامت انسانی استخراج نمود. کرامت انسانی با تولید مثل غیر جنسی نقض

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-08]

نمی شود. چرا که در صورت پذیرش آن در تولد حضرت عیسی و حضرت آدم بر حسب نظر قرآن مشکل ساز خواهد بود. همچنین اشاره شد که تغییر در ساختار ژنتیکی به واسطه شبیه سازی زایشی بالاصاله کرامت انسانی را نفی نمی کند. علاوه بر این بر اساس آموزه های قرآنی نابود کردن رویان منافاتی با کرامت انسانی ندارد. مطالعه و بررسی در آموزه های قرآنی بیانگر آن است که شبیه سازی زایشی به وجهی دیگر غیر از دلایل مذکور، کرامت انسانی را نقض می کند. از نگاه قرآن، ویژگی خاصی که انسان را مستحق عنوان کرامت می کند خلیفه الله بودن وی است. از لوازم چنین کرامتی آفرینش خاص او در دو بعد جسمی و روحی است. بر مبنای یافته‌های علوم زیستی شبیه سازی زایشی از دو جهت بر کرامت انسانی اختلال ایجاد خواهد کرد؛ نخست اینکه به اختلال در تولید بافت ها و اعضای بدن و نیز تضعیف استخر ژنی انسان منجر خواهد شد. علاوه بر این به جهت ایجاد تغییر خودآگاهی در فرد شبیه و نیز سست شدن بنیان خانواده، آسیب های روحی و روانی به دنبال خواهد داشت. لذا ضروری است محققان علوم زیستی آموزه های وحیانی و دینی را در به کارگیری پژوهش های خویش در جمعیت های انسانی مد نظر قرار دهند.

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-08]

References

1. Yadollah Pour MH, Jorsaraei GA. Adaptability of Human Munificence with Cloning, Islam and Health Journal/ 2014; 1(1): 16-23 [In Persion].
2. Shafaroudi M. M, Human Cell and Histology, Tehran: Abej. 2010; P. 35-38 and 42 [InPersion].
3. Mohamadi A. Human cloning scientific Ethical, legal and Religious Aspects. 2008; p 343. Available at: http://ijme.tums.ac.ir/files/site1/user_files_db0c9d/azam-A-10-61-196-75df9d3.pdf [In persion].
4. Riaz AO. Cloning in the Islam, Jordan, Oman, Dar-al-Osame, 2003; p 136 [Arabic].
5. Complex decision of Islamic jurisprudence regarding the human cloning, cloning in Islam and Christianity, Bierot, daro- alfekr. 1999; P. 315 [Arabic].
6. Barzanji MT. Adely Sh Gh. The operations of children in emryo cloning. Al-boshra in System of Islamiclaw, Beirut, Institute of al- resale, 2002; P. 102 [Arabic].
7. Eslami Ardakani. SH. Asexual reproduction: a critical stusy, faslnameh-Ye akhlalaGH, AN ETHICS QUARTERLY, VOL1, SUMMER 2011, NO.2, p. 53-108 [In Persian].
8. Al-demrash S. Cloning is Bomb, al-Riaz, school Al-abikan, 1997; P. 92 [Arabic].
9. Hamish A. Contemporary Fiqh issues, Al-sharegha, Uni Alsharegha, 2004; P. 223 [Arabic].
10. Eslami Ardakani SH. Human cloning in catholic and Islamic perspective. Uni of Religions press 2008; p 153& 330 [In Persion].
11. Noobahar R. international Declaration of human Genetic Data: concerns Approaches, and Its Compatibilities with Islamic Perspectives, Name ye–Mofid, vol 46, 2004; P. 61 [In Persian].
12. Harris J. Good bay Dolly, The ethics of human cloning in Ethics in practice: An Anthology , Oxford: Blackwell, 2002; P. 201.
13. Tandberg A, Bjørge T, Børdahl PE, Skjaerven R. Increasing twinning rates in Norway, 1967-2004: the influence of maternal age and assisted reproductive technology (ART). Acta Obstet Gynecol Scand. 2007; 86(7): P. 833-9.
14. Andorno R. human dignity and human rights as a common ground for a global bioethics. J Med philos (2009); 34(3): 223-40.
15. Tabatabaie M H, Tafseer Al-mizan, Trans: seiad Mohammad Baqer Mousavi, Qom, Daftare Intesharate Islami press. 2012; Vol, 13, 15, 23 [In persion].
16. Ghomashaei S.induced abortion in views of Sunni jurisprudence. Journal of Reproduction and infertility, 2005; vol 6(4) P. 375-389 [In persion].
17. Holy Qur'an, Trans: Naser Makarem Shirazi, Qom, Sarmayeh press. Sura 26, verse7 [In Persion].
18. Javady A, Dignity in the Quran, Tehran, Raja Center Press, 1ed, 1988, p. 337,18 [In Persion].
19. Holey Quran, Sura2, verse30.
20. Rajaby, M, Human logy, Qom, Institute for Education and Research of Imam Khomeni Press, 2007. P. 154 [In persion].
21. Yadollah Pour MH. The Meaning of dignity in Quran, Padjooheshname Olom Va Maaref qurane –karim (payame Javidan) Journal, 2009; 1(2), p. 119-141 [In Persion].
22. Holey Quran, sura 23, verse14.
23. Khosrowpanah A. Islamic Human logy, Qom: Daftare Nashre Maaref, 2013, p. 77 [In Persion].
24. Motthaghi, A. Kanze –al- Ommal fi sonane –alagval val-afaal, Beirut, resale centre,1989; P. 19 [Arabic].
25. Tarihi, F. Majmao- al-bahrien, Tehran, maktabato- al-mortazaviyya, 1940; p. 152 [Arabic].
26. Holey Quran, Sura2, Verse 195.
27. Holey Quran, Sura5, verse 32.
28. Mesbah M T. Ethics in Quran, Qom, Institute for Education and Research of Imam Khomeni Press, 1998; vol 2 , P. 31 [In persion].
29. Gharavi, M. the relation between sole and body, Hawzah & University, Vol 9, 1996; P. 84-88 [In Persion].

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-08]

30. Holey Quran, Sura95, verse49.
31. Makarem Shirazi N. Tafsire nemoone (1st ed., Vol. 12). Tehran, Iran: Dar Al-Kotobe Islamie, 1995; P. 169 [In Persian].
32. Mollasadra, (Journeys) Asfare- al- arbaah, Dar al –ehya –al –torath arabiye, Beirut, 1990; P.86 [Arabic].
33. 33 Sadler, T.W. Langman's Medical Embryology, Translated by Gholamreza Hasanzadeh. Tehran: Arjmand, 2013. P: 63.
34. Shafaroudi M. M, General Human Cytology and Histolog. Tehran: Aveesina, 2014; P. 62-72 [In persion].
35. Alberts B, Bray D, Hopkins K, Johnson A, Lewis J, Raff M; Essential cell biology; 4th Ed. Morgan Kaufmann Publishing Ebook Pack, 2013; P. 58.
36. Harvey Lodish and Arnold Berk, Molecular Cell Biology; New York: W H freeman. 2012.
37. Sadler T.W. Langman's Medical Embryology. by Farid Abolhasani- Arjmand, 2010; P. 58 [In persion].
38. Fallah H and Shafaroudi M.M, Research Project Report: Gene selection in Drosophila melanogaster; Agriculture faculty of Ferdowsi University of Mashhad; 1985 [In persion].
39. www.clsnet.org/clrfPages/index.phpx (updated on: 2003).
40. Kass L, the wisdom of repugnance. The New Republicv. 1997; 216(22): 17-26.
41. Holey Quran, Sura30, verse 21.

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-08]

Islam and Health Journal
Babol University of Medical Sciences

Babol Univ. of Med. Sciences
Islam and Health Journal/ 2014; 1(3): 7-16

Human reproductive cloning and dignity in Islamic teachings

Received: 3 Oct 2014 Accepted: 10 Dec 2014

Marzband R (PhD)[1]
Malekzadeh Shafaroudi M (PhD)[2*]

1. Department of Islamic thought, Medical Faculty, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran
2. Department of Anatomy and Cell Biology, Medical Faculty, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

[*]**Corresponding Author:**
Malekzadeh Shafaroudi M, Department of Anatomy and Cell Biology, Medical Faculty, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

Tel: +98 11 33543248
Fax: +98 11 33543248
Email: malek1344@gmail.com

Abstract

Introduction: Although using cloning technology has opened a new horizon on easier treatment of mankind diseases. But, human reproductive cloning has created concerns on injustices and infringement to principles and human ethics among the religious thinkers. Main point of Ethical problem on human reproductive cloning is the violation on human dignity. The purpose of this article is study of incompatibility of human reproductive cloning and human dignity in Quranic teachings.

Methods: The present study is based on the analytical, documental and conceptual method. In this regard, the necessary data gathered by refer to the first-hand sources such as Quranic interpretations books like Almizan, Nemone Quran encyclopedia and data bank sites like Magiran, Noormags, iranmedex, on based of research questions and analyzed by the authors.

Findings: Regarding to incompatibility of human reproductive cloning and human dignity there are various arguments such as violation of human dignity in Asexual reproduction, Failure to maintain the uniqueness and individuality, Violating the dignity of embryo. But it should be said that there is not exact detailed expression on incompatibility of human reproductive cloning and human dignity. The survey in Islamic literature indicates that human reproductive cloning violated human dignity in different context. In quranic view the specification of the human who deserves the dignity is being as successor of God on the earth. Creation of such specification for human dignity is due to his or her physical and mental dimension of creation. But based on biological sciences the reproductive cloning provide disorders in reproduction of tissues and organs, weakening the human gene pool and changing in self recognition which lead to the violation of mental and physical dignity.

Conclusion: The present study shows that there is incompatibility of human reproductive cloning and human dignity in different approach according to Islamic teachings It is necessary that life science researchers based their essential doctrine on respect religious values in using their researches goals in mankind populations.

Keywords: Cloning, Dignity, Human gene, Islamic teaching, Organ

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-08]